

تأثیر جهانی سازی بر هنر آفریقایی

محمد رضا شکیبا



مقدمه

هنر آفریقایی در عرصه جهانی اگر چه جایگاه خود را نیافته و اهمیت آن چندان آشکار نشده، اما جهانی سازی بر هنر آفریقایی تأثیر بسیاری گذارده است. جهانی سازی هنر پدیده‌ای است که در آفریقا پس از سلطه استعمارگران به وقوع پیوست و سپس توسط مجریان استعماری در بخش‌های آموزشی، رسانه‌ای و اداری پیگیری و تثبیت شد. پس از پیروزی آفریقایی‌ها بر سلطه استعماری به دلیل گستردگی آموزش غربی و زبان و فرهنگ استعماری و گسترش شهرنشینی، جهانی سازی در زمینه هنر شدت یافت و تحولات بسیاری در این مقوله پدیدار شد. همچنین توجه جدی به صنعت جهانگردی موجب رواج پدیده جهانی سازی و گسترش آن شده است.^۱

البته باید اذعان کرد که تأثیرات جهانی سازی بر آفریقا در بسیاری از زمینه‌ها منفی و در شماری اندک مثبت بوده است. پدیده‌هایی چون روزنامه‌ها، رسانه‌های دیداری (که به دلیل فقر مردم آفریقا چندان عمومیت ندارند) و شنیداری (که مردم بدان‌ها دسترسی وسیعی دارند)، کتاب، آثار هنری و اهتمام دولتمردان به صنعت جهانگردی موجب رواج پدیده جهانی سازی و رونق آن شده است. مردم آفریقا عموماً دین، هنر و هویت قبیله‌ای را در راستای یکدیگر می‌دانند و معتقدند که جهانی سازی هر سه آنها را بارور و قوی ساخته و در جهت نیل به رستگاری یاری می‌بخشد.

هنر آفریقایی پس از استعمار توانسته است به فضاهای فرامنطقه‌ای راه بیابد و مخاطبان

بیشتری پیدا کند. در این راستا علاوه بر غربی‌ها که به تدریج در قاره حضور پیدا کردند و به هنر آفریقا علاقه مند شدند و در جهت معرفی آن کوشیدند آفریقایی‌های مهاجر نیز در غرب در جهت معرفی هنر خود تلاش موفقی داشتند. علاقه مهاجرین و غربی‌ها به هنر و مصنوعات هنری آفریقایی موجب پدید آمدن نمایشگاه‌ها و جایگاه‌های عرضه آثار هنری در غرب شد و این امر در رونق هنر آفریقایی در غرب و اعتلای آن نقش مؤثری داشت. به نحوی که سام آدل معتقد است نمایشگاه‌های هنر آفریقایی در غرب بیش از آفریقا رونق و اعتبار دارد. البته این استقبال موجب شد هنرمندان آفریقایی از آن رویکرد قبیله‌ای و سنتی به هنر عدول کرده، هویت و نگرشی فرامنطقه‌ای و جهانی پیدا کنند، تا محصولات هنری آنها با مقبولیت و پذیرش عمومی روبه‌رو شود. این تغییر و تحول در زمینه موسیقی، رقص و تئاتر مصداق بیشتری داشته است. اما در زمینه ادبیات آنچه موجب جهانی شدن برخی آثار آفریقایی شد همانا پابندی آنها به بیان مسائل آفریقا بود. از جمله کتاب چینوا آچب به نام نابسامانی‌ها در بیش از یازده میلیون نسخه منتشر و به چهل و هفت زبان ترجمه شد. یا اینکه آقای وول سوینکا نویسنده نیجریه‌ای در سال ۱۹۸۶ جایزه نوبل ادبیات را از آن خود کرد.

به عقیده آقای سید نجم‌الرضا جهانی شدن فرایندی است که طی آن بهترین‌های دنیا می‌توانند در هر جایی از جهان که بخواهند، به فعالیت بپردازند، در دسترس هر کس که مایل به استفاده از آنها باشد، قرار گیرند و هیچ چیز نمی‌تواند محدود، در حصار و منحصر به یک مکان باشد، زیرا پدیده‌ها رشد می‌کنند و گسترش می‌یابند.^۳ این نگرش اگر چه بسیار خوشبینانه است اما تا حدودی در مورد آفریقا در زمینه آموزشی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی اتفاق افتاده و نتایج مثبت در برداشته است. اگر چه نمی‌توان انکار کرد که از نظر اقتصادی شرایط قاره در بیست سال گذشته وخیم‌تر شده و فقر گسترده‌تری یافته است.^۴ در واقع جهانی شدن موجب افزایش بی‌عدالتی شده و فاصله بین فقرا و ثروتمندان را افزایش داده است. اما در زمینه‌های آموزشی و هنری دستاوردهای متنوعی برای مردم آفریقا داشته و آنها را با تحولات نوین جهانی آشنا ساخته است.

۱: آموزه‌های هنر سنتی

گفتنی است که هنر سنتی آفریقایی آموزه‌های بسیاری در ذات خود دارد که ارزشمند و پذیرفتنی است. از جمله آنکه هنر در نزد آنها یک امر قدسی و یک واقعیت معنوی است که هدفش ایجاد روشنائی و شادمانی در افراد جامعه است. آنها نیز همانند شومان معتقدند تاباندن روشنائی به قلب انسان، رسالت هنرمند است. برای مردم آفریقا هنر به مفهوم انتزاعی مطرح نیست، بلکه به عنوان یکی از ضروریات زندگی و حافظ حیات فردی و اجتماعی مطرح است. به همین دلیل هنرمند و هنرش به زعم مردم با حقیقت جاودانه و دنیای نامشهود ارتباط دارند و از آنها مدد می‌گیرد.

مطالعات کاربردی هنر

هنرمندان آفریقایی از طریق ارائه هنر دنیایی را به روی بینندگان می‌گشایند که ماوراء باورهای منطقی و رابطه علت و معلولی امور جاری زندگی است. هنر آنها بیان درد، رنج، شادی، امید، آرزو و چگونگی نیل به رستگاری برای انسان‌ها است. آنها با هنر خود به

آفریقایی‌ها امید می‌بخشند تا در برابر مصائب عظیم زندگی و حوادث زمانه تاب آورند و تسلیم مشکلات نشوند و دست از تلاش برندارند. برای آفریقایی‌ها نیز همانند فریتیف شوان «زیبایی، شکوه حقیقت است و آنها برای یافتن زیبایی و زیبا شدن بسیار مقید و افراطی هستند. اگرچه زیبایی‌شناسی ویژه آنان این امر را متفاوت با دیگران نشان می‌دهد. هنرمندان سنتی آفریقایی هنر را به‌عنوان یک امر قدسی و معنوی تلقی می‌کنند و در کنار پیشه اصلی خود آن را برای حفظ کیان قبیله ادامه می‌دهند. در واقع تعلق خاطر آنها به اجتماع و حفظ آداب و رسوم قبیله‌ای آنها را به سوی هنر سوق می‌دهد. به همین جهت به ویژه در زمینه ادبیات مشاهده می‌شود که هنرمند بزرگی مانند وتونگا از کنیا به زبان قبیله‌ای خود می‌نویسد. به قول آناندا کوماراسوامی هنرمند در جوامع سنتی انسان خاصی نبود بلکه هر یک از اعضای این جوامع به نوعی خاص هنرمند بودند.^۵ در آفریقا نیز نگرش مردم به هنر این‌گونه بود و هنرمندان در ایام فراغت به امور هنری می‌پرداختند.

هنرمند سنتی آفریقایی پیشه خود را از استاد فرا می‌گیرد و در این راه با جهد و ممارست به مقام ارزشمندی در جامعه نائل می‌شود. وی مجبور است سال‌ها نزد استاد شاگردی کند و بخشی از زندگی خود را در بیشه‌زارها و جنگل به تعمق و اندیشه بگذراند. برای هنرمند آفریقایی خاموشی مقدمه فراگیری از طبیعت و نیروهای مسلط بر جهان است. هنرمندان آفریقایی از طریق مکاشفه و ژرف‌نگری در طبیعت و محیط و آشنایی با فرهنگ و سنن قبیله‌ای به فهم و دانشی بالاتر از مردم اجتماع خود دست می‌یابند و هنگام بروز حوادث و برگزاری مراسم راهنمای مردم می‌شوند.

در واقع هنر در آفریقا نمودی از زندگی مذهبی و فرهنگی آنها محسوب می‌شود. به عبارت دیگر هنر در آفریقا پیوند دنیای مشهود با جهان غیرقابل رؤیتی است که چگونگی وجود آن از طریق اساطیر، داستان‌ها و باورهای سنتی قبیله‌ای برای مردم تا حدودی آشکار شده است و آنها بدان یقین و باور دارند. هنر همچنین در آن خطه پشتوانه محکمی برای مردم است که برنامه‌ها و الزامات زندگی خود را تنظیم کنند و با اطمینان از آینده‌ای که از گزند حوادث مصون خواهد بود به زندگی خود ادامه دهند. از این‌رو اگر مشاهده می‌شود که آفریقایی‌ها در منازل خود صورتک‌ها، مجسمه و برخی اشکال ساخته شده را نگه می‌دارند تنها به دلیل روحیه زیبایسندی آنها نیست و آن مظاهر کارکردی بسیار فراتر دارند و به زعم آنها ضامن بقا و رستگاری فرد و اجتماع هستند.

۲: مؤلفه‌های هنر آفریقایی

واقعیت آن است که مؤلفه‌های شکل دهنده ذهنیت مردم آفریقا و عوامل حیات دهنده به رفتار آنها در بسیاری از جهات متفاوت با دیگر مردم جهان است و آنها به مسائل سنتی و قبیله‌ای اهمیت بسیار می‌دهند. هنر اصیل آفریقایی رویکردی روحانی و معنوی به انسان و طبیعت دارد و از هنرمند انتظار می‌رود به درجه‌ای از قدرت و توانایی دست یابد تا بتواند با استمداد از دنیای ارواح در جهت رفع مشکلات مردم بکوشد و راه‌حل مناسب را به مردم ارائه دهد. به همین جهت در جامعه سنتی آفریقایی انتخاب پیشه هنر به عهده استاد و رئیس

قبیله است و هنرجو در این زمینه چندان دخیل نیست. هنرمندان در زندگی سنتی آفریقایی‌ها از جمله صنوف و پیشه‌ورانی قلمداد می‌شوند که با تمامی اقشار جامعه مرتبط هستند و محصول کار آنها مورد نیاز تمامی افراد است.

در واقع آفریقایی‌های سنتی در امر هنر پیرو آریاس می‌سوند بوده‌اند که معتقد است هدف هنر ایجاد عصاره‌ای بی‌جان و روشنفکرانه مآبانه نیست، بلکه هنر حیاتی شدت یافته است، حیاتی درخشان و تابناک. اگرچه آنها برای آرایش خویش و زیبایی اهمیت بسیار قائل هستند و فلسفه زیباشناسی ویژه خود را دارند، اما در عین حال در انتخاب وسایل و یا آرایش خویش جنبه‌های زیبایی‌شناسی، تناسب رنگ‌ها، حجم و اندازه را براساس بینش خود و باورهای قبیله‌ای مراعات می‌کنند، که گاهی ممکن است برای فرد ناآشنا با آن فرهنگ، زنده یا نامناسب جلوه کند. اما واقعیت این است که برای یک آفریقایی، آنچه به نظر یک فرد بیگانه با محیط، هنر و زیبایی جلوه می‌کند، نمادهایی از مذهب (طلسم و حرز) و باورهای قومی به شمار می‌رود که بدون وجود آنها زندگی از مجرای اصلی خود خارج و نظم حیات مختل می‌شود. آفریقایی‌های سنتی نمی‌توانند باور کنند که عالم اسرارآمیز و پرشکوه بدون حامی و نگهبان، و زندگی سراسر رنج و محنت است.

به همین جهت آنها به دلیل باور معنوی خود به جهان بی‌عیب و خداوند متعال توکلی بس شگرف دارند و برای جهان غایت و هدفی قائل هستند. از این رو آنها از جمله شادترین مردم جهان محسوب می‌شوند و حال آنکه نیمی از فقیرترین مردم جهان در آفریقا زندگی می‌کنند و نیم دیگر نیز از مواهب چندانی برخوردار نیستند. به زعم آنها زیبایی و خوبی جهان بر بدی‌ها و رنج‌های آن چیره می‌شود و شادمانی انسان‌ها آن روند را ساده‌تر می‌سازد. به باور آنها جلب مشیت و رحمت الهی نیاز به همکاری افراد دارند و ارائه قربانی و انجام مراسم گروهی برای تحقق آن صورت می‌گیرد.

۳: نقش‌های اجتماعی هنر در آفریقا

هنر آفریقا همانند اندیشه آفریقایی‌ها پررمز و راز و دارای لایه‌ها و وجوه گوناگونی است که فرد به نسبت آشنایی خود با فرهنگ و آداب منطقه از آنها آگاه می‌شود. برای آنها هنر برای هنرمطرح نیست و رجوع آنها به هنر برای گریز از زندگی یکنواخت روزانه نیست، بلکه برای تسلی یافتن و رفع مشکلات و جلب رضایت ارواح نادیده است. به همین جهت در بسیاری از زبان‌های آفریقایی معادلی برای واژه هنر نمی‌توان یافت. بلکه در نزد مردم این پیشه نوعی صنعت و افزارمندی است و هنرمندان یک صنف محسوب می‌شوند که البته این صنف کارکردی بیشتر از سایر صنوف‌ها و پیشه‌ها دارد. به نوشته دائرةالمعارف بریتانیا اشتغال بدین شیوه به انتخاب فرد نیست و رئیس قبیله و استاد بزرگ در این خصوص تصمیم می‌گیرند. ضمن اینکه فرد هنرمند در کنار کار روزانه بدین امر اشتغال می‌ورزد و در جهت حفظ فرهنگ و هنر قبیله خویش می‌کوشد.^۶

مقتضات کاربردی هنر

هنرمند دوران معاصر آموزش هنر را براساس استعداد، بینش و علاقه خود انتخاب می‌کند و در دانشگاه و دیگر اماکن آموزشی فرا می‌گیرد و از این رو شاید وی کمتر از پیشینیان فرصت

یابد که به پالایش روح و روان پردازد و در آن مسیر همچون اسلاف خود تنها به نفع جامعه بیاندهد. چه بسا که وی به هنر به عنوان وسیله‌ای برای ارضای غرائز و کسب منافع نیز بنگرد. به همین جهت معروف است که هنرمندان مشغول در تئاتر و موسیقی بیشتر دچار عارضه ایدز می‌گردند. البته این امر در خصوص همه هنرمندان معاصر صدق ندارد و چه بسا شمار زیادی از آن هنرمندان به خاطر تلقی خود از هنر به عنوان وسیله‌ای برای ارتقاء آگاهی از سوی دولتمردان آفریقایی مورد غضب واقع شده و به انواع زجر و ملامت دچار گشته‌اند. آقای جی ول ایچی فور فیلمی در مورد نخبگان مهاجر نیجریه ساخته و در آن مشکلات مردم آفریقا را به خوبی بررسی کرده است.

۴: نقش دینی هنر در آفریقا

آقای امیتی معتقد است آفریقایی‌ها به شدت مذهبی و به باورهای مذهبی پایبندند. استفاده آنها از مظاهر هنری دینی نشان از این ادعا دارد.^۸ به طور کلی توجه به هنر برای مردم آفریقا وسیله‌ای برای جذب شرایط مساعد و مطلوب است که منجر به سعادت فرد و جامعه و رستگاری مادی می‌شود. در واقع هنر به مفهوم یک موضوع صرفاً سرگرم‌کننده در آفریقا وجود ندارد و آنچه غربی‌ها در آفریقا آن را هنر معنی می‌کنند نمادهایی از باورهای قومی، قبیله‌ای است که براساس مذاهب، شیوه معیشتی و محیط زیست آنها شکل گرفته است و هدف و برنامه ویژه‌ای را دنبال می‌کند. به عنوان مثال برخی صورتک‌ها در آفریقا برای بازور کردن زمین و یا افزایش شمار گله استفاده می‌شود و همراه کشاورزان و قبایل گله‌دار است و طی مراسمی از نیروهای نهفته آن صورتک‌ها استفاده می‌شود. به همین جهت هنر در آفریقا نمادی از مذهب و فرهنگ است که جنبه تجسمی آن بیشتر است و حضور آن در زندگی مردم موجب رفع بلا و جذب عطا می‌شود. در واقع یک آفریقایی سنتی چیزی را صرفاً به دلیل تزئین یا آرایش مورد استفاده قرار نمی‌دهد بلکه به خواص معنوی اشیاء و کاربرد آنها نیز عنایت دارد.

هنر آفریقایی همانگونه که ذکر شد ویژگی اجتماعی فرهنگی و مذهبی دارد و هدفمند است. هنرمندان آفریقایی نیز که برای اعتلای جامعه و ارزش‌های پیشین جوامع آفریقایی کار می‌کنند در واقع گنجینه شفاهی هنر و باورهای قومی قبیله‌ای محسوب می‌شوند. آنها تنها برای لذت شخصی دست به آفرینش هنری نمی‌زنند بلکه هنگامی به کار می‌پردازند که شخصی متقاضی خدماتشان بوده باشد. بدین معنی که نیاز جامعه و انسان‌ها، آنها را به سوی خلق یک اثر که با شرایط و نیازهای موجود هماهنگی داشته باشد سوق می‌دهد. به عنوان مثال مراسم رازآموزی در میان قبایل مختلف نمی‌تواند بدون ادوات و صورت و مجسمه باشد و آن اشیاء براساس دستور رئیس قبیله ساخته می‌شود و مورد استفاده قرار می‌گیرد. به اعتقاد مردم سنتی آفریقا هر صورتک یا مجسمه و یا ابزار موسیقی به منظوری خاص ساخته شده است و باید شایستگی آن را داشته باشد که روح مورد نظر در آن وسیله نفوذ کند و توانایی لازم را به اشیاء ببخشد. اینکه گفته می‌شود هنر آفریقا یک هنر معنوی و روحانی است به دلیل آموزه‌های اخلاقی و کارکردی آن است. آنها نمی‌توانند بدون توجه به باورهای قومی و قبیله‌ای در مورد

دنیای نامشهود و نقش آنها در زندگی مردم به خلق یک اثر بپردازند. به زعم آنها همه امور طبیعت دارای ارواح و نگیهانانی است که از جهان محافظت می کنند و هر آینه اگر آن روح حمایت خود را از امری دریغ نماید به معنی مرگ آن پدیده است.

در فرهنگ سنتی آفریقایی ها مشیت پروردگار، احترام و ارادت به اجداد و پیشینیان، عشق و محبت به خانواده و اجتماع، همزیستی با طبیعت و حفظ توازن طبیعی، دین باور بودن و تشریک مساعی در غم و شادی دیگران، پابندی به حقیقت و چشم امید از عنایت الهی داشتن از جمله ویژگی های لازم برای افراد جامعه تلقی می شود و هر گونه بی اعتنائی به آن اصول موجب فرو آمدن خشم الهی می گردید. همین اصول در هنر و پدیده های هنری نیز رعایت شده، در مراسم و گردهمایی های هنری به مردم آموزش داده می شد.

آنچه در خصوص هنر و اهمیت آن در آفریقا گفته شد در مورد قبایل مسلمان و مسیحی نیز صادق است و ادیان بزرگ الهی نیز نتوانسته اند آن تلقی توحیدی را در مردم به وجود آورند که در همه امور خداوند را فعال مایشاء بدانند و از وی کمک بخواهند. اگرچه غیر از جنبه های جادوگری که در آنها آشکارا نمادهایی از شرک مشهود است، مراسم هنری آفریقایی عموماً جنبه آموزشی و سرگرمی آور دارد و فاقد جنبه های زیانبار و مخرب اخلاق است.

۵. نقش تفتنی و سرگرمی آور هنر آفریقایی

بارزترین جلوه های هنری در آفریقا صورتک ها، مجسمه ها، آلات موسیقی، وسایل خانه و لباس هایی است که از چوب، فلز، الیاف و یا پوست و شاخ حیوانات ساخته می شود که اگرچه در نگاه اول فاقد انسجام و یا تناسب لازم است اما پر از معنی و رمز و راز است. برخی از آثار هنری برای برگزاری مراسم گروهی بوده و برخی جنبه تزئینی و زیباشناسانه داشته است. باید دانست که همان ها را جهانگردها به عنوان مظهر هنر آفریقا قلمداد کرده، از آنها استقبال می کنند. در زندگی مردم نمادهایی از پیوند آنها با سنت ها و ارزش ها است و چه بسا که بی احترامی به آنها زندگی فرد را متلاشی سازد. به نوشته دائرةالمعارف بریتانیکا هنر در آفریقا دارای وجوه مختلف بوده است. برخی برای سرگرمی و تفریح مردم، شماری برای تزئین و زیباسازی فرد و اجتماع و پاره ای برای رفع مشکلات و ایجاد امید به آینده مورد استفاده قرار می گرفته است، اما در همه وجوه سه گانه جنبه ارزشی هنر مدنظر بوده و هر قبیله و اجتماعی براساس باورها و نوع معیشت بدان امر اهتمام داشته است.

البته باید توجه داشت که به دلیل مسافرت بیش از پنجاه میلیون جهانگرد به آفریقا و استقبال آنها از صنایع دستی آفریقایی ها، اکنون ساخت مجسمه، صورتک و آلات موسیقی یک حرفه برای گروهی از مردم محسوب می شود که از آن طریق معیشت خود را فراهم می کنند. از سوی دیگر به دلیل مشکلات اقتصادی و رواج شهرنشینی مردم دیگر اشتیاق و علاقه ای به مصنوعات هنری ندارند و هنرمندان خود را تشویق نمی کنند. اما در اصل همان جلوه های هنری کاربرد اجتماعی و فرهنگی دقیق دارند و نقشی حساس در زندگی قبایل ایفا کرده و می کنند. در واقع آنها واسطه ارتباط افراد قبیله با اجداد و نیروهای نادیده مؤثر در زندگی آنها محسوب شده و از آنها طلب خیر و راهنمایی و دفع شر می کرده اند. اما آن وسایل و آثار به نظر

جهانگردان به عنوان جلوه‌ای از هنر آفریقا به شمار رفته که زیبایی خاصی داشته، لذا مورد استقبال قرار می‌گیرد. گفتنی است که آقای اشبل ماتیسون خبرنگار بی‌بی‌سی اگر چه حضور جهانگردان را برای رشد اقتصادی آفریقا ضروری می‌داند اما معتقد است که استقبال آنها از هنر آفریقایی به ضرر آفریقا است.^۶

اگر هدف هنر پدید آوردن تصاویر، نواها، ساختمان‌ها و اشیایی برای برقراری ارتباط با دیگران و ارسال پیام از یک فرد یا گروه به جمعی بزرگ‌تر است و در آن صورت آفریقایی‌ها در ارسال پیام و درک پیام هنرمندان خود قابلیت و استعداد فراوانی دارند. زیرا هنر آفریقایی ریشه در اعتقادات و باورهای قومی قبیله‌ای داشته، مفهومی مشترک محسوب می‌شود و تأثیری همگانی دارد. هنر در آفریقا موضوع مهمی محسوب شده و مورد توجه همگان است. مردم عادی به ویژه قبیله‌نشین‌ها و روستائیان آفریقایی به هنر به عنوان یک مفهوم مقدس و نجات‌بخش می‌نگرند که کاربرد اجتماعی وسیعی دارد و هنرمندان سنتی را ارج می‌نهند. روشنفکران آفریقایی و دولتمردان نیز هنر آفریقایی را از آن جهت که مشخصه قاره و کشورشان بوده است و علاوه بر کاربرد وسیع آموزه‌های بسیاری برای مردم دارد ارج می‌نهند و به نوعی در صدد ترویج آن هستند. بخش‌های مروج جهانگردی و برخی از شهرنشینان آفریقایی نیز هنر آفریقایی را محمل مناسبی برای جلب جهانگردان می‌کنند و در ترویج آن می‌کوشند. البته این گروه چندان توجهی به کاربرد هنر آفریقایی ندارند و بیشتر در صدد بهره‌مندی مادی از هنر آفریقایی هستند. جهانی‌سازی نیز موجبات ارتباط هنرمندان و آگاهی آنها را از کار یکدیگر فراهم آورده و همین امر تا حدودی باعث خروج هنر آفریقایی از انزوا شده است. اکنون به یمن گستردگی امکانات ارتباطی و افزایش آگاهی جهانی از آفریقا در بسیاری از کشورهای غربی نمایشگاه‌های هنر و فرهنگ آفریقایی تأسیس شده است و هنرمندان آفریقایی مورد تشویق قرار می‌گیرند. همچنین هنرمندان آفریقایی بعضاً سوژه‌های دیگری را انتخاب کرده، کمتر در زمینه هنر آفریقایی تلاش می‌کنند.^۷

۶: نقش و تأثیر هنر در باور آفریقایی‌ها

برای کسانی که نخستین بار به آفریقا سفر کرده‌اند و برخی آثار هنری آن مردم را مشاهده می‌کنند این سؤال مطرح می‌شود که مجسمه‌ها، صورتک‌ها و مجسمه‌های افراد مختلف یک خانواده در کنار هم چه موضوعی را مطرح می‌سازد و چه ویژگی دارد. به ویژه آنکه در نگاه اول چندان تناسبی نیز بین اجزا مختلف یک اثر هنری مشاهده نمی‌شود. او می‌خواهد بداند که هنر چه جایگاهی در نزد این مردم دارد. چرا آنچه می‌بینند با آنچه خود می‌شناخته متفاوت است. این نتیجه‌گیری اگر چه ممکن است گمراه‌کننده باشد ولی سئوالی بسیار اساسی در بردارد و آنکه هنر در آفریقا چه مفهوم و کارکردی دارند و غایت آن چیست.

در اینجا گفتنی است که برای آفریقایی‌های سنتی رابطه علت و معلولی اگر چه وجود دارد اما آنها همه پدیده‌های طبیعی و رخداد‌های زندگی را از دریچه علت و معلول نمی‌بینند و برای رخداد‌های زندگی دلایل دیگری را نیز در نظر می‌گیرند که براتی غربی‌ها نامفهوم است. در واقع بین روابط علی که یک آفریقایی سنتی بدان باور دارد و روابط علی مورد توجه یک فرد

غربی تفاوت شگرفی وجود دارد. از همین رو یک فرد سنتی آفریقایی در مواقع خطر و مشکل به پیشگو، جادوگر، باران ساز و دیگر متولیان متخصص در امر ارتباط با اجداد قبیله مراجعه می کند و از آنها برای رفع مشکل خود مدد می جوید. به همین دلیل آنها بعضاً خشکسالی، قحطی و مرگ و میر زودرس و دیگر بلاهای طبیعی را به ارواح شریر نسبت می دهند و برای رفع آن مشکلات مراسم ویژه ای برگزار می کنند و با اهداء قربانی به جلب رضایت ارواح می پردازند. در این گونه موارد هنرمندان نقش مؤثری دارند زیرا آنها بر اساس آشنایی به باورهای قومی و سنتی از مجسمه، صورتک، لباس و موسیقی مناسب برای رفع مشکل و بازگرداندن آرامش به اجتماع مدد می گیرند. هنرمندان آفریقایی تاریخ شفاهی قوم خود بوده و به تجربه آموخته اند که چگونه در برابر حوادث و ناملایمات زندگی مردم را امیدوار سازند و به کار و تلاش تشویق کنند.

به عنوان مثال در میان قبایل آفریقایی اگر خانه ای آتش بگیرد، یا زمین و حیوانات باروری لازم را نداشته باشند، یا بیماری رایج شده باشد و یا وسیله مورد استفاده فرد به وی آسیبی برساند، آفریقایی ها آن را به حساب اشتباه در محاسبات یا خطای فرد نمی دانند و گمان می برند روح شریری در آن دخیل بوده است و یا کسی قصد صدمه زدن به آنها از طریق جادوگری و توسل به موجودات نادیده را دارد. از این رو برای مقابله با ارواح شریر یا از بین بردن خصومت دشمنان برحسب مورد به پیشگو، جادوگر، پزشک سنتی، باران ساز و غیره مراجعه کرده، از وی کمک می خواهند. آنها نیز به شیوه پدران و اساتید خود با برپایی اجتماع و استفاده از صورتک ها، مجسمه ها، آلات موسیقی مناسب آن مجلس و لباس های ویژه، اجتماعی را برپا کرده، ارواح شریر را احضار می کنند و از وی ضمانت می گیرند. به فرد مورد نظر آسیبی نرسانند. در اینجا جادوگر یا پزشک سنتی و یا پیشگو برای رفع مشکل به اشیائی نیاز دارد که از دید بیگانگان جنبه هنری و زیبایی دارد ولی برای آفریقایی ها آن اشیاء کارکردی فراتر داشته، نمادهایی از فرهنگ و مذهب شخص و قبیله محسوب می شود. هنرمند در قبایل آفریقایی حکم یک نهاد یا مؤسسه را دارد که بدون حضور آنها امور جامعه مختل می شود. در واقع بدون حضور و فعالیت آنها جامعه به هماهنگی و تعادل نخواهد رسید. آنها در کنار عرضه هنر و خدمات خود به ارائه آموزش های سنتی می پردازند و اخلاق نیکو و کردار پسندیده را در مردم تقویت می کنند.

از ویژگی های هنر سنتی آفریقایی تکرار است و در آن کمتر ابداع مشاهده می شود. این امر بدان دلیل است که آفریقایی های هنرمند علاوه بر هنر و چیره دستی خود از دانسته ها و فرهنگ قومی قبیله ای برای خلق اثر استفاده کرده، هدفمندی را بیش از نوآوری و ابداع مراعات می کنند. اما در هنر معاصر آفریقا نوآوری در کنار استفاده از کلیشه ها کاملاً مشهود بوده و بر غنای آن افزوده است. برای یک آفریقایی سنتی تفاوتی بین عالم مشهود و دنیای غیرمشهود وجود ندارد. او اگرچه دنیای نامشهود را نمی بیند ولی بدان ایمان دارد و براین باور است که کسانی در اطراف او هستند که با آن دنیا رابطه دارند و می توانند منافع وی را حفظ کنند.

عظائمات کاربردی هنر

هنر معاصر آفریقایی البته معجونی از هنر آفریقا و دیگر قاره ها به ویژه جهان غرب است، زیرا هنرمندان آفریقایی علاوه بر تأثیرپذیری از کشورهای متوقف فیه به بازار هنر و سودآوری آن

نیز چشم داشته، در این زمینه حساس هستند. به همین جهت هنر آفریقایی دارای تضادها و تناقضات فراوان است و اتحاد فرم و محتوا و هدف بدان گونه که در جوامع سنتی آفریقایی مرسوم بوده، اکنون در آن وجود ندارد. اگرچه این امر از قابلیت کنونی آن هنر و تأثیر جهانی و منطقه‌ای آن نمی‌کاهد.

۷: کارکرد اجتماعی و اقتصادی هنر در زندگی آفریقایی‌ها

هنر برای آفریقایی‌ها همان‌گونه که ذکر شد جنبه انتزاعی ندارد و جلوه‌ای از فعالیت روزانه آنهاست. هنر اگر چه سرگرم کننده و نشاط آور است اما اهداف متفاوتی را دنبال می‌کند و به همراه دیگر فعالیت‌های اجتماعی و فردی ادامه حیات را ممکن می‌سازد. از این رو تمایز بین هنر، فرهنگ و مذهب در آفریقا مشکل است. زیرا در آنجا آن هر سه به نظم و تداوم جامعه کمک کرده، استمرار زندگی را به همراه دارند که برای مردم بسیار مهم است. هنرهایی که در آفریقا معمول است شامل آرایش بدن با استفاده از مهره، لباس و رنگ‌هاست که هر یک کارکرد و اهمیت ویژه دارند. همچنین مجسمه‌ها، موسیقی^{۳۳} و آلات موسیقی و صورتک‌ها علاوه بر زیبایی هر یک دارای کاربرد اجتماعی، فرهنگی و مذهبی هستند و در مراسم خاصی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند و با ارواح ویژه‌ای پیوند برقرار می‌کنند.

۷-۱: ادامه حیات و تشویق به آن

ادامه زندگی و بقای نسل برای آفریقایی‌ها اهمیت بسیار دارد و ناباروری از مظاهر پلیدی تلقی می‌شود و مراسم متعددی برای رفع آن معضل برقرار می‌شود. مردم آفریقا علیرغم فقر و تنگدستی ترجیح می‌دهند فرزندان بیشتری داشته باشند و بقای نسل را تضمین کنند. از این رو در آفریقا مجسمه‌هایی مرسوم است که افراد یک شجره را نشان می‌دهد که نماد باروری است و نزد مردم ارزشمند است. اینکه مشاهده می‌شود که همواره در اکثر مجسمه‌ها خانواده در کنار هم هستند و زنان عموماً با شکم‌های پرآمده نمایش داده می‌شوند و درخت زندگی که یک نسل را نشان می‌دهد در نزد مردم محبوبیت دارد، از این باور سرچشمه می‌گیرد.

۷-۲: ایجاد امنیت و آرامش در زندگی

از نظر آفریقایی‌ها هر فرد در طی اقامت در دنیا دوره‌های مختلفی را پشت سر می‌گذارد و وارد مرحله جدیدی می‌شود که به گمان آنها طی آن مراحل ضروری است. از این رو در آنجا مرگ زودرس را ناشی از قهر ارواح می‌دانند و برای بقای عمر مراسم متعدد دارند. در آفریقا مردم عموماً با مراجعه به پیشگو و جادوگر و پزشک سنتی دهکده از وی مدد می‌جویند تا آنها را برای ادامه یک زندگی همراه با امنیت و موفقیت یاری کند. در این رابطه نیز مجسمه‌ها و صورتک‌های بسیاری بر اساس قبایل و تلقی آنها ساخته می‌شود و مورد احترام قرار می‌گیرد.

۷-۳: تأیید و تثبیت اجتماع و سلسله مراتب اجتماعی

از جمله وظایف هنر در آفریقا تأیید و تثبیت رئیس قبیله و اطرافیان وی است. در اکثر قبایل

آفریقا رئیس قبیله از تقدس ویژه‌ای برخوردار است و دارای لباس، عصا، کرسی و تعلیمی مخصوصی است که به زعم مردم دارای روح خاصی بوده، مورد حمایت دنیای نامشهود است. از این رو تا زمانی که آن وسایل را در تملک دارد اطاعت از وی واجب و مورد قبول عموم است. داستان‌های شفاهی و نقالی‌هایی که در آفریقا از مظاهر بارز هنر محسوب می‌شود و طرفداران بسیاری دارد علاوه بر جنبه سرگرمی، در تثبیت ارزش‌های قبیله‌ای مؤثر است. در آنجا نقال‌ها و داستان‌های قبیله‌ای را که متضمن باورها، ارزش‌ها، مذهب و قوانین اجتماعی هر قبیله است برای مردم بازگو می‌کنند. در این مراسم نیز استفاده از صورتک، مجسمه، لباس، ادوات موسیقی و دیگر مظاهر هنری کاربرد فراوان دارد. در آن گونه مراسم ارواح خیر و شر به صورت مجسمه‌ها و صورتک‌های متفاوت در متن داستان به افراد نشان داده می‌شود. در آن داستان‌ها که جنبه تئاتری قوی دارد افرادی که به ارزش‌های جامعه احترام می‌گذارند و آنها را مراعات می‌کنند مورد مرحمت اجداد و ارواح قرار می‌گیرند و آنهایی که از ارزش‌های جامعه عدول می‌کنند بد فرجام‌بوده، به سختی مجازات می‌شوند.

۴-۷: مشخص کردن دوره‌ها و مسئولیت‌های افراد

از دیگر ویژگی‌های هنر در آفریقا تفهیم دوره‌های زندگی و مسئولیت‌های شخص است که به صورت مراسم هنری به افراد آموزش داده می‌شود. از نظر مردم آفریقا افراد هنگامی که به دوره جدیدی از زندگی می‌رسند باید آموزش لازم را ببینند و اطلاعات کافی از آن مرحله پیدا کنند. مردان ماسایی در شرق آفریقا باید از هنگام بلوغ پنج مرحله را طی کنند که این مراحل طی مراسم ویژه و با حضور مردم برگزار می‌شود. زنان نیز معمولاً در هنگام بلوغ ازدواج و باروری، مراسمی دارند که برخی مراسم در جمع زنان و برخی با حضور همگان برگزار می‌شود. در این مراسم نیز از ادوات موسیقی، مجسمه، لباس‌ها و صورتک‌ها استفاده می‌شود تا جلب رضایت اجداد و ارواح صورت پذیرد. این برنامه‌ها همچنین نوعی معرفی افراد به جامعه و پذیرش آنها نیز محسوب می‌شود که به شیوه‌ای هنری صورت می‌پذیرد. آفریقایی‌ها علاوه بر انسان‌ها برای زمین و رودخانه‌ها و کوه‌های محل اقامت خود نیز برنامه‌هایی دارند و طی مراسمی محیط زیست خود را محترم می‌شمارند. داستان‌ها و اساطیری که در خصوص مظاهر طبیعی در بین قبایل مختلف رایج است نشانگر پیوند عاطفی آنها با طبیعت است.

۸: نقش موسیقی و رقص در زندگی آفریقایی‌ها

موسیقی و رقص از اجزاء غیرقابل تفکیک زندگی آفریقایی‌ها محسوب می‌شود. به گفته ابن خلدون هر آنکه با زندگی آفریقایی‌ها اندک آشنایی داشته باشد می‌داند که آنها به این دو توجه ویژه‌ای دارند. البته اگر چه موسیقی و رقص جنبه سرگرم کننده و فرح بخش دارند اما در آفریقا از این دو برای رفع مشکلات و دفع ارواح شریر نیز استفاده می‌شود و بیشتر برای آماده کردن افراد برای رویارویی با مشکلات زمانه و فراموش کردن ناملایمات روزمره است. موسیقی طرب در شرق و جنوب آفریقا و موسیقی نیجریه‌ای مایو آنیلاران^{۱۳} در غرب آفریقا از این زمره است. حرکات موزون در نزد آفریقایی‌ها از آن چنان جایگاهی برخوردار

است که آنها نه تنها در مراسم شادی که در مراسم عزانیز از آن بهره می‌جویند. حتی در برخی قبایل مانند اوبا از شاخه قبیله یوروبا در نیجریه ارائه حرکت بدنی مناسب از جمله ویژگی‌های پذیرش ریاست یک فرد بر قبیله به شمار می‌رود. یا اینکه مردم گاه در غنا در مراسم تدفین به حرکات موزون می‌پردازند. فولانی‌های غرب آفریقا نیز برای رقص اهمیت بسیاری قائل هستند.

حرکات موزون یکی از صور نمادین هنرهای اصیل و مهم آفریقا به شمار می‌رود و تقریباً هیچ برنامه اجتماعی هنری بدون رقص کامل نیست. در آن حرکات موزون، هر قوم و قبیله، تاریخچه و فرهنگ خود را به نمایش می‌گذارد و آرزوهای خود را بیان می‌کند. مردم در آن حرکات نیازها، آرزوها و حقایق زندگی را به گونه‌ای نمادین به معرض نمایش می‌گذارند و ضمن فراهم آوردن محیط مناسبی برای شادمانی و تفریح از خداوند و یا ارواح برای رفع مشکلات خود مدد می‌جویند. حرکات موزون آفریقایی‌ها همواره گروهی است و برای ناظران جنبه آموزشی دارد و بیانگر یک واقعه مهم مانند آغاز فصل کشت، برداشت محصول، ازدواج، تولد، جنگ، خشکسالی، رازآموزی (دختران و پسران) و قهر طبیعت است. در آفریقا پزشکان سنتی، جادوگرها، باران‌سازها و روسای قبایل برای دفع ارواح شریر و شفای بیماران یا رفع مشکلات از رقص‌های گروهی و پایکوبی استفاده می‌کنند که همراه با موسیقی محلی است. به باور اکثر محققین آفریقاشناس در آفریقا حرکات موزون یک هنر گروهی است که دارای اهداف معنوی و متعالی است.

مردم شرق آفریقا به موسیقی علاقه‌مندند و دوازدهم از آلام و رنج‌ها را در آن می‌جویند. آنها حتی در مراسم عزای ناملایمات طبیعی و اجتماعی نیز از موسیقی برای بیان غم و اندوه خود استفاده می‌کنند. گفته می‌شود که موسیقی نقش بسیاری در آموزش مردم و ارائه راه کارهای مناسب برای رفع مشکلات مردم دارد. افرادی مانند فلاکوتی، توماس مایفومو، باب مارلی و لاکی دوب حتی در فرایند آزادی و استقلال خواهی مؤثر بوده‌اند.^{۱۴} از مهم‌ترین انواع موسیقی شرق آفریقا می‌توان به موسیقی طرب اشاره کرد. خانم کلی اسکینو معتقد است: در میان سواحیلی‌ها موسیقی طرب بسیار مشهور است که برگرفته از موسیقی عرب، ایرانی و آفریقایی است. آن موسیقی دارای قافیه و نظم است و از استعاره در آن استفاده می‌شود. در آن نوع موسیقی مسائل عاشقانه، اجتماعی، انتقادات و هجو مشاهده می‌شود. موسیقی طرب در مراسم عروسی، کشاورزی و مراسم اجتماعی سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد.^{۱۵} البته موسیقی در بین سواحلی زبان‌ها موارد استفاده فراوانی دارد. البته آن موسیقی عمدتاً به مسائل اجتماعی و تشجیع مردم به انجام تلاش‌های مثبت و همراهی با اجتماع می‌پردازد. ادوات موسیقی سنتی سواحیلی عموماً شبیه همان ادوات موسیقی کشورهای اسلامی است. با این تفاوت که تنوع ادوات موسیقی سواحیلی زبان‌ها بیشتر است.

۹: نقش و تأثیر جهانی سازی بر ادبیات آفریقا

ادبیات آفریقا علیرغم اصالت و زیبایی‌های آن برای مردم ایران شناخته شده نیست. همان‌گونه که نیم قرن پیش برای غربی‌ها نیز ناآشنا و گنگ بوده است. به همین جهت مردم نسبت

به فرهنگ، هنر و تمدن آفریقایی بی توجه بوده‌اند و حتی در بخش شناخته شده آن سوء تفاهم دارند. اما واقعیت این است که ادبیات آفریقایی نیز مانند دیگر ادبیات‌ها دارای ژرفا، غنا، اصالت و زیبایی‌های ویژه خویش است که آشنایی با آنها بر غنا و دانش افراد از آن خطه می‌افزاید.

تاریخ، فرهنگ و هنر معاصر ملت‌های آفریقایی همانا متأثر از تحولات متنوعی است که جهانی‌سازی در آن خطه ایجاد کرده است. سلطه استعمار اگرچه از یک سو موجب عقب‌افتادگی قاره شده، اما از سوی دیگر موجبات آشنایی مردم را با شرایط و تحولات جهانی به وجود آورده است و نخبگان جهان و قاره به درک نوینی از یکدیگر رسیده‌اند و همستگی بین ملت‌ها فزونی یافته است. از حدود ده سال پیش نیز که آخرین دژ استعمار و آپارتاید در جنوب قاره فرو ریخت و آفریقای جنوبی آزاد شد، جهانی شدن از قدرت و گستردگی بیشتری برخوردار شد و آن کشور قدرتمند و مهم نیز در جهت گسترش ارزش‌ها و مسائل آفریقایی تلاش می‌کند. جهانی‌سازی این فرصت را فراهم آورد که هنر و فرهنگ و ادبیات آفریقا که به ناحق مورد غفلت و بی‌اعتنایی قرار گرفته بود، اهمیتی دوباره بیابد و مضمون و مصادیق آن بر جهانیان آشکار شود. اکنون بسیاری از مردم جهان به فرهنگ توانمند و مستعد آفریقا آگاه شده‌اند و از آن بهره می‌گیرند. به طور قطع بیشترین تأثیر جهانی‌سازی بر هنر آفریقا همانا در زمینه ادبیات آن خطه اتفاق افتاده است. پیش از حضور استعمار ادبیات آفریقا به استثناء دو مورد، عمدتاً شفاهی بوده و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شده است. آن ادبیات اگرچه از اهمیت و اصالت بسیاری برخوردار بود ولی به دلیل عدم کتابت امکان آن را نیافته بود که حفظ بشود و در اختیار دیگر ملل قرار گیرد. اما جهانی‌سازی شرایطی را برای فرهنگ و هنر آفریقا به وجود آورد که در جهت کتابت فرهنگ و هنر خود بکوشند و از این طریق توانایی‌های مردم آفریقا را نمودار سازند.

نویسنده مالیایی آمادو همپانه گفته بود هنگامی که پیرمردی می‌میرد همراه با او کتابخانه‌ای از میان می‌رود. این امر در خصوص فرهنگ و هنر آفریقایی کاملاً صدق دارد و جهانیان و به ویژه آفریقایی‌ها از این بابت زیان فراوان دیده‌اند. تا پیش از حضور استعمارگران، تصور مردم جهان از آفریقا این بود که آفریقا فاقد تاریخ است و چیزی برای عرضه کردن به جهانیان ندارد. اما با گسترش آموزش، ادیبانی از آفریقا توانستند توانایی‌ها و اهمیت اقوام و ملل خود را آشکار ساخته، جهانیان را از غنای فرهنگی و هنری قاره مطلع سازند. افرادی مانند رنه ماران، سنگور، مازیسی کنین، وتیونگا، آچب، سونیکا، ابراهیم حسین و اوکوت توانستند با بهره‌برداری از ادبیات شفاهی آفریقا، ادبیات آن قاره را جهانی سازند و زیبایی‌های فرهنگ و هنر مردم را به جهانیان عرضه کنند.

۱۰ نقش سیاسی هنر در آفریقای معاصر

آقای ریچارد آلن معتقد است هنرمندان معاصر تانزانیایی به نوعی فردیت‌گرایی پیدا کرده-
اند که در زبان سواحیلی به آن اوبنفسی می‌گویند که ناشی از تأثیر جهانی‌سازی بر آفریقا
است. البته هنرمندان همواره افرادی فردگرا و اندیشمند بوده‌اند و نگرشی متفاوت به جامعه و

مسائل آن دارند. اما هنرمندان سنتی مجبور بودند که در هنر پیرو استاد بوده، به آداب و رسوم قبیله‌ای - آفریقایی عنایت داشته باشند. هنرمندان سنتی از جمله حافظان اجتماع و در خدمت رئیس قبیله بوده‌اند و نمی‌توانستند دگراندیشی داشته، یا با سلسله مراتب اجتماعی مخالفت کنند. شاید برخی از آنها که ساختار اجتماعی و شرایط را مطلوب نمی‌دانستند به جادوگری روی آورده، از جامعه رانده می‌شدند. در تاریخ معاصر نیز برخی از هنرمندانی که به انتقاد از جامعه برمی‌خواستند و راه کارهای دولتی را به چالش می‌کشیدند از سوی دولتمردان طرد شده، مورد بی‌مهری قرار می‌گرفتند. ابراهیم حسین در تانزانیا، اوتک در اوگاندا، آچب در نیجریه و وتیونگا در کنیا از این قبیل هنرمندان بودند که رسالت خود را در خدمت به مردم دانستند و لذا از سوی دولتمردان مورد اذیت و آزار قرار گرفتند. (ص ۸)

گفتنی است که در آفریقا ارتباط ویژه‌ای بین هنر و سیاست است و هنرمندان آفریقایی در اکثر کشورهای آفریقایی بابتی مهری دولتمردان روبه‌رو بوده، چندان مورد تأیید قرار نمی‌گیرند. همین امر موجب شده است که نگاه آنها به خارج از قاره معطوف بشود و به حمایت خارجی‌ها دل ببندند. آقای هولند کاتر در بررسی خود از هنر آفریقایی می‌گوید اکنون آفریقا به یمن وجود افرادی که خارج از قاره زندگی می‌کنند در همه جا وجود دارد و دیگر یک قاره نیست. آفریقا اکنون یک فرهنگ جهانی و یک مفهومی است که ابعاد آن بسیار گسترده است. هنرمندان در آفریقا زندگی سختی دارند. آنها باید سال‌ها همراه با استاد خود سفر کنند و با فرهنگ و ارزش‌های قبیله‌ای آشنا شوند و ناگواری‌های زندگی مردم را بشناسند و به تدریج راه حل مفید ارائه دهند. آنها گاهی ماه‌ها از زندگی اجتماعی دوری گزیده، در روستاها و اعماق جنگل‌ها به ریاضت می‌پردازند تا روح هنر در آنها حلول کند. در این دوره‌ها آنها با روانشناسی مردم آشنا می‌شوند و به اعماق ذهن و روح آنها نفوذ می‌کنند. سفر آنها یک سیر و سیاحت عارفانه است. هنرمندان سنتی آفریقایی از این موهبت برخوردار بودند که در قلمرو قبیله خود به هر کجا که سفر می‌کردند قدر می‌دیدند و بر صدر می‌نشستند. از این رو هنرمند بودن در جامعه سنتی امتیازی محسوب می‌شد که همگان نمی‌توانستند از آن بهره‌مند می‌شوند. هنرمند در جوامع سنتی به عنوان حافظ فرهنگ و ملیت است و قبایل آفریقایی این ویژگی را قدر دانسته، برای هنرمندان خود اهمیت فراوان قائلند، زیرا می‌دانند بدون حضور آنها زندگی‌شان با خلل و وقفه روبه‌رو خواهد شد. هنرمندان نقطه اتصال گذشته و آینده هستند و نقشی مرکب را در جوامع آفریقایی دارند، و حضور آنها در زندگی آفریقایی‌ها مشهود است.

ارائه تفسیری همه فهم از منازعات و ناگواری‌های زندگی بشری همراه با پاسخ‌های مبتنی بر عقاید عامه مردم مبنی بر نبرد میان نیک و بد و ارائه راه‌حل فرهنگی مذهبی از مهم‌ترین کارهای یک هنرمند آفریقایی است و اینکه او همواره سعی می‌کند با هنر و شناختش از زندگی به دیگران امید دهد، قابل تقدیر است. هنرمند جوامع سنتی آفریقایی می‌کوشد که از هنر خود برای ارائه راه‌حل به مردم و امید بخشیدن به آنها استفاده کند. همان‌گونه که هنرمندان متعهد معاصر آفریقایی نیز از هنر خود و انتقاد از نابسامانی‌های^{۱۶} جامعه برای آگاهی بخشیدن به مردم و تشویق آنها به کار و آموزش بیشتر بهره می‌جویند.

۱۱: تأثیر جهانی سازی بر هنر آفریقا

از ویژگی های مهم هزاره سوم برای آفریقا امر جهانی شدن است که بدون آمادگی آن قاره صورت پذیرفته و تأثیر بسیاری بر روابط کشورها و مردم گذارده است. جهانی شدن در جنبه های اقتصادی اگرچه هنوز در آفریقا ریشه ندوانده و آثار آن آشکار نشده است ولی از جنبه های فرهنگی و اجتماعی مؤثر واقع شده است. از جمله در حالی که تا پایان قرن بیستم در کل آفریقا بیست میلیون خط تلفن وجود نداشت اکنون دولت نیجریه اعلام کرده است که تا پایان سال ۲۰۰۵ بیست میلیون موبایل در اختیار مردم قرار خواهد داد. همچنین حضور سالانه پنجاه میلیون جهانگرد در آن قاره بر مردم تأثیر خواهد گذارد. سازمان های متعدد غیردولتی نیز در جهت هموار کردن راه جهانی سازی فعال هستند و نقش مؤثری در افزایش آگاهی و دانش مردم در زمینه حکومت عادلانه، حقوق بشر، تولید دانش، عدالت، محیط زیست و کرامت انسانی دارند. آنها به تدریج موجبات تغییر اندیشه و تحول در مردم را پدید خواهند آورد. علاوه بر آن موضوعات گوناگونی که از سوی رسانه های غربی در آفریقا تبلیغ می شود گامی در جهت جهانی سازی فرهنگی است به نحوی که مردم کشورهای آفریقایی از کشورهای یکدیگر و جهان سوم همان دیدی را دارند که رسانه ها منعکس می سازند. در واقع همان گونه که رناتو روجیرو گفته است جهانی شدن واقعیتی است که همگان را در کام خود فرو خواهد برد. رونق بازار هنر در غرب نیز موجب شده است شماری از هنرمندان آفریقایی به آن بازار علاقه مند شوند و در آن راستا برای یافتن سهم خود حرکت کنند.^{۱۷}

جهانی سازی در آفریقا و آشنایی هنرمندان آن قاره با هنر دیگر نقاط دنیا موجب شد که درک و آگاهی مردم از هنر توسعه یابد و انتظار آنها از هنرمند بیشتر شود. در آفریقا به طور سنتی هنرمند یار و مددکار رئیس قبیله بود و در جهت تقویت انسجام جامعه و پابندی های قبیله می کوشید. از این رو نمی توانست از دانایی و هنر خویش برای نشان دادن نقاط ضعف و نابسامانی اجتماعی کمک بگیرد و در مردم هوشیاری و آگاهی بیافریند. اما فرایند جهانی سازی موجب شد که ارتباط هنرمندان با نخبگان و دولتمردان جامعه کاهش یابد یا به شکلی متفاوت از گذشته صورت پذیرد. از این رو اکنون هنرمندان بیشتر با مردم و روشنفکران ارتباط برقرار می کنند و در جهت آگاه کردن آنها گام برمی دارند.

۱۲: تغییرات بنیادی در مفهوم ارزشی هنر و جایگاه رفیع آن

البته در اینجا در خصوص جایگاه ارزشی هنرهای آفریقایی نمی توان نظر داد، زیرا هنر امروز آفریقا از نظر کارکرد و هدف با هنر سنتی تفاوت بسیاری دارد. هنر معاصر آفریقا اگر در برخی ابعاد تخریب و تخریبی است، در شماری از جنبه ها متعهد و مبارز بوده و اهمیت بسیاری برای هویت و اعتلای آفریقایی ها قائل است. به عنوان مثال اگر تا پنجاه سال پیش هنرمندان آفریقای جنوبی در ستایش پادشاه قبیله زولو و حرکات موزن هر ساله دختران بالغ در مقابل وی و انتخاب یکی از بهترین ها برای پادشاه، جشن و پایکوبی کرده، آن را مهم ترین رویداد فرهنگی قلمداد می کردند، امروزه بسیاری از هنرمندان آن خطه این برنامه را ناپسند شمرده، ضمن انتقاد از پادشاه زولو از مردم می خواهند در آن جشن حضور نیابند. امروزه

موسیقی دانان، نوازندگان، نقالان، نقاش‌ها و مجسمه‌سازان آفریقایی در کارهای خود تغییر و تحولاتی را ایجاد کرده‌اند و آن را از مفهوم سنتی و معنوی خویش جدا ساخته و سودجویی، کسب معیشت و شهرت از آن طریق را در اولویت قرار داده‌اند. این امر اگرچه نشان از فاصله گرفتن هنرمندان از مفهوم سنتی در آفریقا و نشانگر تأثیر جهانی‌سازی در آفریقا و نگرشی فراگیرتر به مسائل منطقه‌ای است ولی از مفهوم هایدگری هنر که همانا انکشاف حقیقت است دوری گزیده، نفع‌پرستی در آن مشهودتر است. آنها همچنین در کارهای خود از هنر دیگر مناطق به ویژه هنر غربی سود می‌جویند تا جذابیت بیشتری داشته باشند و مورد پذیرش قرار گیرند.

اینکه آنتونی اسمیت نوعی فرهنگ جهانی را توصیف می‌کند که به هیچ مکانی یا دوره‌ای تعلق و وابستگی ندارد، بلکه آمیزه‌ای واقعی از مؤلفه‌های ناهماهنگ است که از همه جا دریافت شده است و به هیچ جا تعلق ندارد، در خصوص هنر آفریقایی که اکنون در شهرهای بزرگ آفریقا و غرب تبلیغ می‌شود تا حدودی صحیح است.^{۱۸} البته اکنون جهانی‌سازی آنچنان توسعه پیدا کرده و امکانات فراوانی را از آن خود ساخته است که می‌تواند واقعیات را قلب کند و هویت آفریقایی‌ها را مخدوش جلوه دهد.^{۱۹} به نوشته لوموند، روزانه میلیون‌ها نفر، همزمان با برنامه‌های تلویزیونی، رادیویی و بازی‌های الکترونیکی واحد، با یکدیگر در ارتباط‌اند و مصرف فرهنگی که به طور منظم فراگیر شده است بی‌تأثیر بر امیال و اذهان آنها نیست. اما این مصرف فرهنگی، تهدیدی علیه توانایی‌های ذهنی، حسی و زیباشناسانه بشری است و هر روز گسترش می‌یابد.^{۲۰}

واقعیت این است که جهانی‌سازی به هنرهای آفریقا آسیب وارد ساخته و آنها را از اهداف خود جدا ساخته است.^{۲۱} از جمله این‌که زیباترین و ارزشمندترین نمونه‌های هنری آفریقا را باید در خارج از قاره و جدا از خواستگاه واقعی آن جست‌وجو کرد. گفتنی است که برخی از آفریقایی‌ها برای بازگشت آثار هنری و تاریخی خود اقدام‌هایی کرده‌اند.^{۲۲} نمایشگاه‌ها و برنامه‌های هنری متنوعی که همه ماهه در غرب در خصوص کارهای هنری آفریقا برگزار می‌شود رونق خاصی برای فرهنگ و هنر آفریقایی به ارمغان آورده است. اما آن نمایشگاه‌ها به دلیل آنکه جدا از خواستگاه واقعی آن مصنوعات و مقولات هنری برپا شده است و مخاطبانی نآشنا و یا کم‌آشنا دارد فاقد تأثیر لازم است. به هر حال اکنون شمار نمایشگاه‌ها و اماکن ارائه کالاهای هنری آفریقایی در غرب فعال‌تر و پررونق‌تر از خود قاره است و هنرمندان برای حضور در بازارهای خارجی تلاش می‌کنند. به نظر می‌رسد که هم مردم و هم مسئولین نسبت به نقش و اهمیت میراث فرهنگی و هنر در تقویت میهن‌پرستی، توسعه و پیشرفت ناآگاه بودن و یا بدان بهای لازم را نمی‌دهند.

هنرمندان آفریقایی معاصر در زمینه هنرهای تجسمی عموماً متأثر از غرب هستند و در کارهای خود از دستاوردهای هنر معاصر غرب مدد می‌گیرند. در این زمینه‌ها هنرمندان زمینه آفریقایی را حفظ کرده‌اند و به ابتکارهایی دست می‌زنند که اثر آنها را در ذهن علاقه‌مندان که عموماً غربی هستند مقبول‌تر جلوه دهد. در این زمینه به مجسمه‌های عبدالله عبدالله و نقاشی‌ها تینگاتینگا در شرق آفریقا می‌توان اشاره کرد که اگر چه کارهای بدیعی است ولی

تحت تأثیر جهانی سازی هنر آنها متحول شده است. البته بی توجهی به هنرهای تجسمی اصیل در آفریقا نیز از دیگر رهاوردهای جهانی سازی است. زیرا جهانی سازی موجب شده مردم آفریقا و به ویژه اقشار متوسط که توانایی حمایت از میراث فرهنگی را دارند به سوی هنرهای دیگر ملل متمایل شوند و ذوق هنری خود را از آن طریق سیراب سازند. هنر سنتی در آفریقا موضوعی دیرپاب و دور از دسترس نیست و با زندگی مردم و تلاش های آنها ارتباطی مستقیم و ملموس دارد. آفریقایی ها معتقدند همه به هنر نیازمندند همان گونه که به طبیعت نیاز دارند. زیرا این هنر دو تعادل انسان را حفظ می کند و موجب سعادت و رفاه او می شود. اما واقعیت آن است که مؤلفه های شکل دهنده ذهنیت مردم آفریقا و عوامل حیات دهنده به رفتار آنها در بسیاری از جهات متفاوت با دیگر مردم جهان است و آنها به مسائل سنتی و قبیله ای اهمیت بسیار می دهند.

دلیل رو کردن به این هنرها نیز هیچگاه «هنر برای هنر» نبوده است. آنها هم به لحاظ زیبایی و هم به لحاظ استفاده در ساخت اشیاء هنری این موضوع را در نظر می گرفتند.

در هنر آفریقایی سنت گرایی کاملاً مشهود و ملموس است و این از یک سو به دلیل اهمیت و اهمیتی است که آفریقایی ها به سنت خود دارند و از سوی دیگر جهانگردان و بیگانگان که علاقه مند به جمع آوری آثار سنتی آفریقایی هستند، اما این سنت گرایی فاقد محتوای پیشین بوده و تنها تقلید ظاهر است. هنرمندانی نیز که در این زمینه کار و تلاش می کنند عموماً افرادی کاسب مسلک و بی هویت اند که بازار محوری و کسب سود را هدف قرار داده اند. از جمله در زمینه موسیقی نمی توان از گسترش آن و جهانی شدن آن به طور عمومی اظهار خرسندی کرد. زیرا یک شبه هنرمندانی بدان عرصه وارد شده اند که از طریق هنر مقاصدی مادی را جست و جوی کنند. اخیراً شبکه بی بی سی اعلام کرده بود که رئیس یک گروه هنری آفریقایی به دلیل اینکه با عنوان گروه هنری از آفریقایی ها پول می گرفته و آنها را غیرقانونی وارد فرانسه می کرده، به سی ماه حبس در فرانسه محکوم شده است.^{۳۳}

البته هر اثر هنری مربوط به دوره ای خاص است که از شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن خطه سرچشمه گرفته است و اهداف ویژه ای را پیگیری می کند. از این رو هر آینه اگر آن شرایط تغییر یابد رویکرد هنری نیز دستخوش تحول می شود و دیگر نمی توان انتظار داشت آثار دوره های پیشین تهیه و ترویج شود. در جوامع آفریقایی نیز همین امر به وقوع پیوسته است. توسعه جهانی سازی و گسترش شهرنشینی و سوادآموزی، همراه با رواج رسانه ها از یک سو آگاهی آفریقایی ها را افزایش داده و از یک سو از علاقه آنها به هویت ملی و حس مسئولیت پذیری برخی از اقشار و گروه ها کاسته است.

البته جهانی شدن نتیجه تحولاتی است که در یک سده اخیر در آفریقا به وقوع پیوسته است و ضمن اینکه یوندهای آن قاره را با جهان افزون کرده، بر شرایط فرهنگی هنری آنها که در اینجا مورد نظر است تأثیر بسیار گذارده است. ضمن اینکه تأثیرات اقتصادی و سیاسی آن نیز بر هیچ کس پوشیده نیست. این تحولات ناشی از سلطه غرب بر آفریقا در همه زمینه ها است. از این رو هنرهای تجسمی آفریقا نیز نمی توانست از این تحولات در امان باشد. هنرمندان آفریقایی که زمانی نه چندان پیش حافظ اصالات خانواده و اجتماع بودند و حفظ کیان قبیله ای برای آنها مهم ترین هدف بود، اکنون

عموماً در جهت فردگرایی و استفاده از موقعیت برای بهره‌برداری شخصی روی آورده و جز شماری اندک بقیه مردم و نیازهای آنها را نادیده گرفته‌اند.

مؤخره:

آقای ابراهیم حسین از نویسندگان بزرگ تانزانیا در نمایشنامه‌ای با عنوان داریه بر علیه ویولون به همین بی‌توجهی هنرمندان و روشنفکران اشاره دارد و این روند را ناپسند می‌شمارد و نکوهش می‌کند. از آنجا که بسیاری از شهرها و پایتخت‌های بزرگ آفریقا پس از سلطه استعمار تأسیس شدند و شهرنشینی آفریقا با از بین رفتن سنن و پیوندهای قبیله‌ای همراه بود از این رو هنر و فرهنگ آفریقا نیز دستخوش تحول فراوان شده است. از این رو شهرهای پررونق پیشین مانند تومبوکتو و کادونا در غرب و زنگبار، کیلوا، مومباسا و مالیندی در شرق رونق پیشین را از دست دادند و فرهنگ و هنر آنها به تدریج مهجور شد. اکنون دیری است که آفریقا با تحولات رو به رشد بشر در زمینه فن‌آوری ارتباطات و رسانه‌ها مواجه است و خارج از اراده افراد، گروه‌ها و حکومت‌های آفریقایی آغاز شده و به سرعت نیز در این قاره تأثیر می‌گذارد. به نحوی که هویت‌های قبیله‌ای مهجور و منسوخ شده بدون اینکه هویت ملی و حتی آفریقایی جای آن را بگیرد. در واقع جهانی‌سازی که اکنون ترویج و تبلیغ می‌شود به نوعی با فرهنگ و هنر قومی و بومی مابینت دارد و در پی ایجاد فرهنگی غربی آمریکایی است. استعمار با معرفی فرهنگ، زبان، اقتصاد، فن‌آوری و سیاست خود تغییرات بسیاری را در آفریقا به وجود آورد و هنر نیز در این زمینه بسیار متحول شد. البته نباید نقش غرب را در جهانی شدن هنر آفریقایی‌ها نادیده گرفت. آنها با معرفی فرهنگ، اندیشه، زبان و سیاست خود موجب شدند که هنرمندان و نخبگان آفریقایی به درکی نوین از هنر نائل آیند و در جهت ترویج آن بکوشند. این که آقای چینوا آچب یازده میلیون نسخه از کتاب خود را به فروش رساند و یا آقای وول سوینکا جایزه نوبل ادبیات را کسب کرد، بخشی به دلیل بهره‌بردن از زبان و فرهنگ غرب بوده است.

البته حفظ و استمرار هنر در آفریقا بدان شکل که مورد نظر هنرمندان متعهد و پرتلاشی مانند وتیونگا، مزروعی، آچب و ابراهیم حسین است نیاز به بررسی مجدد و نوسازی دارد و بدون یک تحول عمیق و رنسانس امکان ندارد.^{۳۴} در واقع هنر آفریقایی باید بتواند با ویژگی‌های جهانی شدن و مدرنیته هماهنگی بیابد و نیازهای مردم را پاسخ گوید. البته این امر در آفریقا سابقه دارد و در گذشته نیز فرهنگ و هنر آفریقا از ارتباط با دیگر فرهنگ و هنرها سود جسته و برغنائی خود افزوده بود. در این زمینه به زبان و فرهنگ سواحیلی، هوسا و کریول می‌توان اشاره کرد که در غرب و شرق آفریقا با ادغام و آمیزش فرهنگ‌ها پدیدار گشت و تأثیرات بسیار بر جای گذارد.

البته جهانی‌سازی کنونی از آنجا که بر اصالت سرمایه و سود تأکید دارد و به نوعی متضاد از اندیشه‌های انسان‌دوستانه و خانواده محور آفریقا است، طبعاً هنر آن قاره را مخدوش می‌سازد و چالش‌های فراوانی را به همراه خواهد داشت. چنانکه پروفسور آرورا را از نوعی آشوب در هنر خبر می‌دهد که ناشی از روند جهانی‌سازی است.^{۳۵}

پی‌نوشت‌ها:

۱. رسانه‌ها به گونه‌ای مستمر و بلاوقفه و به انحاء طرق موجب سرگرمی، آموزش، تربیت و حتی انحراف و گمراهی ما می‌شوند. چالش‌های مدرنیته و شکل‌گیری پست‌مدرنیسم، نویسنده: رضا علیزاده، منبع: نشریه نامه شماره ۲۹ بهمن ماه ۸۲.
۲. اکثر پژوهشگران هنر آفریقایی معتقدند تنوع آثار هنری آفریقایی در غرب بیش از قاره‌است و برخی این امر را برای حفظ و اعتلای هنر آفریقا مثبت ارزیابی می‌کنند.
۳. جهانی شدن، خدمتگزار هنر، مترجم: آزاده ثبوت، منبع: ویژه نامه هنر ماهنامه فرهنگ و پژوهش شماره ۱۴۶ مهر ۱۳۸۳.
۴. اوفرزیز کزبل‌هایی رمانی دارد به نام جهان جای پرآشوبی است و در آن تنش‌های جوامع آفریقایی را به شکلی هنرمندانه بازگو کرده است. the world is a chaotic place euphrase kexilhabi
۵. هنر در غرب جدید، نویسنده: سیدحسین نصر. منبع: کتاب جوان مسلمان و دنیای متجدد، دکتر سیدحسین نصر، ترجمه: مرتضی اسعدی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۳.
۶. دائرةالمعارف بریتانیکا، ۱۹۹۸، ذیل هنر آفریقا.
7. A pretty film for a dirty world... New movie focuses on immigrants .
<http://odili.net/news/source/2003/aug/22/101.html>.
8. John S. Mbiti, African religion and philosophy east African educational publishers
Nairobi 1967 p i.
9. Musuem Boss Says Francistown Residents Do Not Appreciate Art. Mmegi/The
Reporter (Gaborone) November 19,2004. <http://allafrica.com/stories/200411190527.html>.
10. <http://news.bbc.co.uk/1/hi/world/africa/3993819.stm>. Tourism threat.
11. Eastern Philosophy Inspires Namibian Artist New Era (Windhoek) November 19,2004.
<http://allafrica.com/stories/200411190036.html>.
۱۲. در زمینه موسیقی و آلات موسیقی، هنرمندان آفریقایی بسیار فعال و مبتکرند و از ساده‌ترین وسایل دستگاه‌های موسیقی موثر و پر قدرتی می‌سازند. یکی از شهروندان فرانسوی به نام آقای ماکس جیون که دکترای ادوات موسیقی از سوربن داشت و ضمناً مدت بیست سال از عمر خود را در نازانیا در خصوص ساخت آلات و ادوات موسیقی بومی صرف کرده بود به‌نگارنده می‌گفت که ادوات آفریقایی علیرغم سادگی توانایی بالایی دارند.
13. Mayo Ayilaran. <http://odili.net/news/source/2004nov/18/36.html>
14. <http://news.bbc.co.uk/1/hi/world/africa/374/46666.stm>
can musicians save Africa?
۱۵. اینترنت www.accd.edu
۱۶. اشاره به کتاب آنچه با عنوان همه چیز در حال تلاشی و سقوط است.
17. Friday, November 19,2004 Africa Magic: Two years of projecting Africafo the world By
Emmanuel Ukudolo, Correspondent, Lagos.
<http://odili.net/news/source/2004/nov/19/402.html>
۱۸. نگاهی موشکافانه به پدیده جهانی سازی، ص ۲۲۶.
۱۹. این موضوع را سمیر امین در مقاله‌ای به نام تناقص‌های نوسازی، منبع: روزنامه کیهان ۱۳۸۳/۷/۲۶ به خوبی برمی‌شمارد.
۲۰. ژوئن ۲۰۰۴ میل خفه شده: یا نابودی فرد به دست صنعت فرهنگی نوشته Bernard Stiegler.
21. African rock art under threat by Ishbel Matheson
<http://news.bbc.co.uk/1/hi/world/africa/3993819.stm>

22. Ethiopians Fight to have Stolen Monument Returned
<http://www.africana.com/articales/daily/index20020327.asp>
 23. <http://news.bbc.co.uk/world/europe/4015473.stm>

۲۴. هنر آفریقایی اکنون در یک بحران واقعی وجود دارد و با یک رنسانس و یا تجدید حیات مواجه است. هنر آفریقایی به یمن حضور هنرمندان آفریقایی در کشورهای راقیه و برخورداری از امکانات مناسب به ویژه تلاش های رسانه ای با استقبال هنردوستان و مجامع فرهنگی روبه روده شده است و تفسیر بسیاری از سوی نخبگان قاره و دیگر محققان در آن خصوص ارائه می شود.
 ۲۵. جهانی شدن یا جهانی نشدن؟ گزارشی از نخستین هم اندیشی جهانی شدن و هنر ایران و هند. منبع: وبزنامه هنر ماهنامه فرهنگ و پژوهش، شماره ۱۴۶، مهر ۱۳۸۳.

مراجع و منابع:

1. BORGATTI/ Jean "Protraiture in Afric Art" and "The Art of the Edo-Speaking Peoples outside Benin [with Phillip Peek], "The Art Dictionary (London: Thames and Hudson,1996).
2. Laura Corti African Aesthetics. Computerization in the History of Art, ed. I (Los Angeles: The J. Paul Getty Trust, 1984), 136/1-2.
3. Anogiri or Olimi: Preference Patterns for Mask Types in Ogiriga-okpella, Nigeria: "Bashiru [Msdison] 11, 1 (1980).
4. Africana encyclopaedia 2000.
5. "The African View of Art and Some Problems Facing the African Artists." in 1st World Festival of Negro Arts Colloquium of Negro Arts (Paris: Editions Presence Africaine, 1968), 417-426. Reprinted Ijele: Art eJournal of the African World, 1, 2, (November <http://www.ijele.com/ijele/vol1.2/enwonwu4.html>2000), African Art in Transit.
- 6: Christopher B. Steiner,(Cambridge Studies in Social & Cultural Anthropology).
7. general history of Africa vol 8.
8. "Chinwe Uwatse Evaluates the Nigerian Art Scene," Ijele: Art eJournal of the African World, 1. 2. (Nov <http://www.ijele.com/ijele/vol1.2/kwuemesi.html>2000).
9. Memory Lines: Art in the Pan-African World, "Ijele: Art eJournal of the African World, 1, 2 (November 2000), <http://www.ijele.com/ijele/vol1.2/nzegwu1.html>
10. The Africanized Queen: Metonymy in Transformative Art," African Studies Quarterly, 1, 4, (1998), Religion and Philsophy in Africa, Republished. <http://www.clas.ufl.edu/africa/asq/v1/v1i4.html>
11. in Ijele: Art eJournal of the African World, 1, 2 (Nov 2000), <http://www.ijele.com/ijele/vol1.2/nzegwu3.html>
12. Ben Enwonwu: Art From a Sixty-Year Career--A REtrospective, Ijele: Art eJournal of the African World, 1, 2 (Nov 2000), <http://www.ijele.com/ijele/vol1.2/BEnwonwu.html>
13. Climente Deliss ed, Art and Nationalism in Colonial Nigeria, "Seven Stories about Modern Art in Africa, Paris: Flammarion, 1995.
14. "Crossing Boudaries: Gender Transmogrification of African Art Histoty," Ijele: Art eJournal of the African World, 1, 1 (March 2000),

<http://www.ijele.com/ijele/vol1.1/nzegwu1.html>

15. Richard. Alain, Swahili theatre and individualism. Mkuki pul dsm 2000.

16. canady john, what is art. Mc grow hill inc newyork, 1959.

17. schiederl.a.art across time.mc grow hill boston 1999.

۱۸. نگاهی موشکافانه به پدیده جهانی شدن یان آرت شولت مترجم مسعود کرباسیان، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۸۲.



پرو، شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی